

نسخه برگردان «سفینه تبریز»

سفینه تبریز/ گردآوری و به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی (تاریخ کتابت: ۷۲۰-۳ هـ).
با مقدمه: عبدالحسین حائری و دکتر نصرالله پورجوادی.
تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱، سی و هشت، ۷۳۴ ص.
شابک ۹۶۴-۰۱-۱۰۸۱-۷
چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

کتابخانه مجلس یکی از نفایس نسخه‌های خطی ایرانی را در سال ۱۳۷۴ خریداری کرد. این نسخه مجموعه‌ای است از دویست و نه رساله و نوشته و گروهی اشعار که جامع نسخه موسوم به محمد بن مسعود بن مظفر تبریزی از خاندان مشتهر به «ملکان» در آن کتابت کرده است. ناگفته نماند که کاتب در انجامه‌های متعدد نسخه هیچ بار خود را به ملکان منسوب نکرده ولی نوشته‌اند که در مراجع مربوط به آذربایجان این نسبت در مورد افرادی از آن خاندان دیده شده است و دوست فاضل آقای عبدالحسین حائری - معرفی کننده نسخه - در گفتار ارزشمند خود به آن موارد اشارت فرموده‌اند.

آن طور که شنیدم معرف این نسخه گرانقدر برای فروش نسخه شناس علاقه مند آقای رحیم رحیمی شیرازی است که خود زمانی مقام کتابداری آن کتابخانه را در عهده داشت و آقای عبدالحسین حائری به تشخیص صحیح، بی درنگ صحه بر خریداری آن گذاشته است.

این نسخه نفیس و عجیب را مرکز نشر دانشگاهی به عنایت آقای دکتر نصرالله پورجوادی تقریباً به اندازه اصلی و رنگین (برای آنکه شباهتی به اصل نسخه داشته باشد) به طور نسخه برگردان (فاکسیمیل) به چاپ رسانیده و حقاً کاری ارجمند و سزاوار حق شناسی انجام شده است.

مقدمه علمی کتاب از عبدالحسین حائری است در معرفی مندرجات نسخه. ایشان دویست و نه مطلب مجموعه را با ذکر نام مؤلف و موضوع و تاریخ تحریر هر یک درین فهرست قید کرده و در موارد ضروری به مراجع دیگر حواله داده. نیز مشخص ساخته است که اجزاء نسخه میان سال‌های ۷۲۰ تا ۷۲۳ کتابت شده مگر سه رساله آن که به فاصله در سال‌های ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۳۶ توسط صاحب و کاتب نسخه بر آن الحاق گردیده است.

ترکیب این نسخه که به قطع رحلی است و در ۷۳۴ صفحه به خطی میان تعلیق و نسخ و نسبة ریز، حکایت از آن می‌کند که فضلالی پیشین برای در دسترس داشتن نسخه از کتاب‌هایی که

به خواندنش علاقه مندی داشته‌اند چه رنج‌ها که در کتابت آنها بر خود هموار می‌کرده‌اند. سر و وضع این نسخه گویای آن است که کاتب آن را برای مراجعات و خواندن گاه به گاه خود نوشته بوده است. کاتبی نبوده است که نسخه نویسی برای فروش و امرار معاش می‌کرده یا به دستور دیگری نسخه را به تحریر کشیده باشد. نسخه از زمره نسخه‌های دستنویس شده توسط فاضلی متوغل در مباحث عرفانی و اشراقی و آشنا به ادب فارسی و دلبسته و شیفته اشعار مایه‌ور مغزدار بوده و بدین مناسبات یکی از مجموعه‌های استثنایی را فراهم آورده است. او آن را عمده در مدت دو سال (۱۴ ذی القعدة ۷۲۰ تا ۲۲ رجب ۷۲۲) نوشته بوده است.

کاتب فاضل، این مجموعه را به آوردن منقولات و رسالاتی در زمینه‌های گوناگون طبی، جغرافیایی، رمل، فقه، حدیث، اصول فقه، فرائض، اوراد و ادعیه، تاریخ اسلام، لغت، نحو، صناعات ادبی، مقامات، مناظرات، منطق، حکمت، کلام، ملل و نحل، تفسیر، اخلاق، هیأت و نجوم، تقویم، حساب اعداد و فوق، منشآت و ترسل، تاریخ سلاطین، پندنامه و وصایای بزرگان، موسیقی، احجار، فراست و مباحث متنوع دیگر، همچون دائرةالمعارف پرداخته است و چنانکه ازین فهرست اجمالی بر می‌آید اهم معارف آن عصر را درین دفتر حجیم



پیش هم گرد آورده است تا از نسخه‌های جدا جدای دویست و چند مرجع مورد احتیاج خود بی‌نیاز باشد.

اهمیت خاص و دیگر این مجموعه به مناسبت آن است که کاتب، متن نه رساله و مدونه از تألیفات خود را در آن گنجانیده و نام خود را که در مآخذ دیده نشده به ادبیات‌شناسان زبان فارسی شناسانده است. جز آن سیزده رساله و تألیف از دانشمندی به نام امین‌الدین ابوالقاسم الحاج بله و یک رساله از فرزند این شخص موسوم به شرف‌الدین عثمان را درین مجموعه دستیاب کرده است که از هیچ یک نشانی و اثری حتی در منابع و مآخذ ظاهراً مندرج نیست. طبق بررسی آقای حائری سیزده رساله و نوشته هم از مؤلفان دیگری درین مجموعه گرد آمده است که هر یک به مناسبت تازه یا پیشان، بابتی تازه را بر روی دستداران نایابی‌های گشاید.

بنابراین، از میان این مجموعه که دویست و نه رساله را در بردارد، سی و پنج رساله‌اش برای ادب فارسی کاملاً تازگی دارد. جز این در جزو اشعار نقل شده مقدار زیادی ابیات و دویستی و مفردات به گویش‌های فهلوی و اورامنانی و شروینانی و تبریزی و کرجی و شاید زبانواره‌هایی جز آنها باشد که متخصصان باید مجموعه آنها را یک کاسه کنند و با بررسی روشنی بشناسانند که هر یک از کدام مناطق است. هنوز پس از بارها که دربارهٔ فهلویات نظریاتی ارائه شده است جای این گفتگو هست که چرا فهلوی گفته‌اند و قلمرو فهلوی سرایی از کجا بوده است تا به کجا.

دیگر از چراها این است که مرز فهلوی و دیگر گویش‌های نام برده شده با اسامی جغرافیایی را چگونه باید شناخت. از جمله در صفحه ۶۷۹ مصرحاً به خط

جلی سرخ ذکر زبان تبریزی شده است. آقای دکتر علی اشرف صادقی نخست بار این ابیات دشوار خوان را که بدان زبان بود در مجلهٔ زبانشناسی آورد تا در دسترس برای رسیدگی باشد.^۱

دربارهٔ فواید متنی این مجموعه و دقت در خصایص نسخه‌ای آن، ازین لحاظ که آیا منقولات این مجموعه برای استفاده در تصحیح متون به چه مایه و پایه است سخن زیادی را می‌طلبید، کم‌اینکه آقای دکتر پورجوادی مبحثی تازه را با عنوان «عرفان اصیل ایرانی در سفینهٔ تبریز» مطرح کرده‌اند^۲ و آقای علی میرافضلی بصیرانه رباعیاتی از خیام را که در آن مندرج است ضمن مقاله‌ای با عنوان: «رباعیات خیام در سفینهٔ تبریز» شناسانیده‌اند.^۳

از لحاظ جمع‌آوری مطالب عصری جای عجب است که گردآورنده هیچ نوشته‌ای را از خواجه رشیدالدین فضل‌الله طیب که هم‌روزگار بوده‌اند نیاورده است. حتی شعری یا نکته‌ای دربارهٔ او نقل نکرده. در حالی که دوسه جا ابیاتی را در هجو و ذم تاج‌الدین علیشاه (حاجی بدل؟) آورده است. شاید سببش منحصرأ به مناسبت آن باشد که چون خواجه در سال ۷۱۸ هـ. کشته شد کسی را از ترس حکومت وقت یارای آن نبوده است که حتی نوشته‌ای علمی از او را در دفتری نقل بکند در حالی که این سفینه دو سال پس از قتل آن وزیر به نوشتش آغاز شده است.

* * *

نوشتهٔ آقای عبدالحسین حائری در برگیرندهٔ معرفی گویای خاندان کاتب و تألیفات او و ارائه اطلاعات ممتعی دربارهٔ امین‌الدین ابوالقاسم الحاج بله از ادبا و علمای تبریز در آن عصر است که

سیزده اثر او را درین سفینه می‌یابیم. به دنبال آن مباحث، یادداشت‌های ایشان را در شناخت دویست و نه نوشتهٔ سفینه می‌خوانیم.

فهرست ترتیبی سفینه تنظیم آقای علی میرافضلی است، حاوی عناوین رسمی رساله‌های موضوع نوشته‌ها با نام نویسندهٔ آن و ذکر صفحات چاپ شده.

چون مندرجات به مناسبت آشفته‌گی اوراق در صحافی به هم ریخته‌گی و پس و پیشی یافته است ایشان آوردن فهرست دیگری از مندرجات سفینه را به ترتیب تاریخ کتابت اجزاء نسخه لازم دانسته است، یعنی آنچه از ۱۴ ذی‌القعده ۷۲۰ آغاز می‌شود و به ۱۹ رمضان ۷۳۶ هـ. پایان می‌گیرد.

چون کیفیات نسخه‌شناسی (کدیکولوژی) این سفینه برای مطالعات تطبیقی مخصوصاً نسبت به رویهٔ کاتبان مجموعه‌های ازین دست خالی از اهمیت نیست و می‌باید خوانندگان و دارندگان این چاپ اطلاعاتی را در اختیار داشته باشند مناسب دانست به تفصیل بیشتر به چند نکته بپردازد. یکی از اهم موارد این است که چه مقدار ازین مجموعه کم و گم و نسخه به وضع کنونی آشفته‌گون تجلید شده است.

کُرَاسه شمارها و قسمت گم شده

نسخه دارای کُرَاسه شمار (بالای صفحات سمت چپ و بر لبهٔ سمت چپ آن صفحات در اول هر کُرَاسه (= جزو) بوده است. اما همانطور که آقای حائری یاد کرده‌اند عده‌ای از کُرَاسه شمارها سائیده و محو شده است. نکتهٔ اساسی و با ارزشی که از وجود این کُرَاسه شمارها عاید می‌شود اطلاع یابی ما بر مقدار افتادگی نسخه است. چون اشاره‌ای بدان نشده است مناسب دید محاسبه‌ای را درین زمینه

۱. نکه: چند شعر به زبان کرجی، تبریزی و غیره، مجلهٔ زبانشناسی (سال پانزدهم، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۳۷۹)، ص ۱۴-۱۷.

۲. نکه: نامهٔ بهارستان (سال اول، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۳۷۹)، ص ۵۹-۶۴.

۳. نکه: نشر دانش (سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱)، ص ۳۲-۳۵.

از صفحه ۳۲ چاپی عدد هابه رقم تبدیل می شود و درین صفحه باز ۵ قلم آمده.

- ۳۲ ص ۷۴ چاپی
 - ۳۳ (لب بریده شده) ص ۷۸ چاپی
 - (بریده شده) ص ۸۸ چاپی
 - (بریده شده) ص ۹۸ چاپی
 - ۵۴ ص ۱۱۲ چاپی

نسخه آن طور که بعضی از اوراق نسخه برگردان گویاست دارای پاورق (رکابه) بوده است، ولی در چاپ مقدار کمی از آنها منعکس شده. بعضی از رکابه ها به طور نیمه آمده (مثلاً ۳۲، ۵۴ و ۵۶) که حکایت از بی دقتی لیتوگراف در فیلم برداری می کند. اکثریت پاورق ها فعلاً در چاپ دیده نمی شود. البته سایدگی کلمات در مدت هفتصد سال هم مزید بر علت است. شاید، حق آن بود کنار پاورق هایی که با کلمات آغاز صفحه بعدی نمی خوانند و دلالت دارد بر افتادگی اوراقی از آن محل. ذکر «افتادگی» بر کنار پاورق شده بود تا کار مراجعه کننده آسان می شد. شاید ارجح آن بود که پس از فیلم برداری در موقع تنظیم اوراق («مونتاژ») برای آماده شدن چاپ، صفحات جابه جا شده را در جای خود گذاشته بودند و با توضیحات مناسب در مقدمه به آن تغییر اشاره شده بود. در چاپ «بیاض تاج الدین احمد وزیر» (اصفهان، ۱۳۵۳) هم این قصور از جانب من پیش آمده است.*

جزین چند صفحه ای، چنانکه می باید دقیق فیلم برداری نشده و تکان خوردگی یا نامیزانی عدسی به هنگام عکس برداری، موجب سایه دار شدن کلمات و دشوار خوانی آنها شده است. (ص ۲۶، ۲۷ و ۲۸).

ظاهر نسخه برگردان حکم می کند بر این که به منظور همسانی و یکنواختی صفحات آنها را در فیلم برداری از چهار طرف لب بر کرده اند و در نتیجه بعضی از حواشی بریدگی پیدا کرده است. (ص ۳۷، ۸۸، ۲۳۹ و ۵۹۳ به طور مثال).

- الثانی والخمسون (= صفحه ۶۱۵).
 - [الرابع والخمسون (= صفحه ۶۳۱)]
 شش ورق است یعنی دو ورق کسر دارد و مطلبی را از آنجا کنده اند.
 - الخامس والخمسون (= صفحه ۶۴۳).
 - السادس والخمسون (= صفحه ۶۵۹).
 - التاسع والخمسون (= صفحه ۶۹۱).
 شماره ناخوانادر چاپ که قاعده الستون (= صفحه ۷۰۷) است و شش ورق پس از آن. نسخه از پایان افتادگی ندارد.
 چون نسخه با شماره گذاری کنونی دارای ۷۳۴ صفحه یعنی ۳۶۷ ورق است (نه ۳۶۸ برگ آنگونه که در مقدمه آمده است) پس تعداد کُراسه های موجود چاپ شده ۴۶ می باشد با کسریک ورق. در حالی که تعداد کُراسه ها چنانکه کُراسه شمارها گواه اند شصت بوده است به انضمام شش ورق. چون هر کُراسه هشت ورقی است پس نسخه اصل حاوی چهارصد و هشتاد و شش ورق بوده است. لذا یکصد و نوزده ورق از نسخه افتاده است. یعنی اگر نسخه به طور کامل بر جای مانده بود می بایست در نهمصد و هفتاد و دو صفحه به چاپ رسیده باشد.
 جز کُراسه شمار، قسمتی از این مجموعه دارای «صفحه شمار» بوده است و هنوز مقداری از عددها بر بالای صفحه سمت راست باقی است. ضمناً باید گفت که این روش شماره گذاری غیر مرسوم است زیرا معمولاً نسخه هایی که صفحه شمار عددی (رقمی) یا حرفی داشته باشد آن ارقام بر صفحه سمت چپ نسخه ها نوشته می شده.

ص ۱۰ چاپی - هفت
 ص ۱۲ چاپی - هشت
 ص ۱۶ چاپی - ده
 ص ۱۸ چاپی - یازده
 ص ۲۰ چاپی - دوازده
 ص ۲۱ چاپی - سیزده
 ص ۲۸ چاپی - شانزده

عرضه کند. در وضع کنونی، شماره هایی که در کُراسه ها دیده می شود اینهاست:

- السادس (= صفحه ۶۳ چاپی) ولی می بایست در صفحه ۸۰ آمده بود.
 - السابع (= صفحه ۷۹).
 - السادس عشر (= صفحه ۱۵۷).
 - السابع عشر (= صفحه ۱۷۳).
 - الثالث والعشرون (= صفحه ۲۰۳).
 - الرابع والعشرون (= صفحه ۲۱۹)
 هفت ورق است بجای هشت ورق و قسمتی از کلمه العشرون در چاپ نیامده.
 - الثالث والخمسون (= صفحه ۲۳۳).
 - السادس [و الخمسون] (= صفحه ۲۴۵).
 - [الثامن ...] [برگ ۱۳۱] (افتادگی در نسخه برگردان).
 - الثانی والثلاثون (= صفحه ۲۸۱).
 - الثالث والثلاثون (= صفحه ۲۹۷).
 - الرابع والثلاثون (= صفحه ۳۱۳).
 - الخامس والثلاثون (= صفحه ۳۲۹).
 - [السادس والثلاثون] (افتادگی در نسخه برگردان).
 - السابع والثلاثون (= صفحه ۳۶۱).
 - الثامن والثلاثون (= صفحه ۳۷۷).
 - التاسع والثلاثون (= صفحه ۳۹۳).
 - [الأربعون] (افتادگی در نسخه برگردان).
 - الثانی والأربعون بسیار کم رنگ چاپ شده است.
 - الثالث والأربعون (= صفحه ۴۴۱) (کم رنگ).
 - الرابع والأربعون (= صفحه ۴۷۳).
 - السادس والأربعون (= صفحه ۵۰۳)
 یک ورق از کُراسه های قبلی افتاده است.
 - السابع والأربعون (= صفحه ۵۲۱)
 الخامس به السابع عوض شده است؟
 - السادس والعشرون (= صفحه ۵۳۷).
 - الثامن والأربعون (= صفحه ۵۵۱).
 - التاسع والأربعون (= صفحه ۵۶۷).
 - الخمسون (= صفحه ۵۸۳).
 - الحادی والخمسون (= صفحه ۵۹۹).

* در چاپ آن کتاب می بایست که شکل بیاضی را حفظ می کردیم تا وضع «پاورق» ها محفوظ می ماند و این هم قصوری دیگر.



فهرست قدیم نسخه و اغتشاش اوراق
 نکته دیگری که از نظر نسخه‌شناسی (کدیولوژی) ضرورت داشت که مورد رسیدگی قرار می‌گرفت تطبیق دادن عناوین مندرج در صفحه بازمانده از فهرست قدیم نسخه است با آنچه از اوراق نسخه در حال حاضر باقی است. این فهرست جدولی که ظاهراً به خط کاتب نسخه است دربرگیرنده مندرجات کتاب از صفحه ۴۳۵ (= شماره ۱۰۸ از فهرست مندرجات تنظیمی) است تا اواخر بیگمان نقل آن برای تطبیق با آنچه از نسخه بر جای مانده فایده بخش است، مخصوصاً ازین لحاظ که بعضی از عنوان نویسی‌ها در فهرست با عناوین متن و فهرست تنظیمی تفاوت‌هایی دارد و این است برگردان فهرست مذکور، اعدادی که طرف سمت راست گذاشته‌ام شماره‌ای است که در چاپ به فهرست تنظیمی داده شده.
 ۱۰۸. شرح سوره و اعشار و آیات و کلمات و حروف قرآن. (ص ۴۳۵)
 ۱۰۹. موجز در اعداد وفق. (ص ۴۳۵-۴۳۶)
 ۱۱۰. خواص اعداد وفق. (ص ۴۳۶-۴۳۷)
 ۱۱۱. جدول اختلاج اعضا. (ص ۴۳۷)
 ۱۱۲. جدول تواریخ. (ص ۴۳۸)
 ۱۱۳. جدول تواریخ. (ص ۴۳۸)
 ۱۱۴. تاریخ تبریز. (ص ۴۳۹)
 ۱۱۵. تاریخ خوارزمشاهیان. (ص ۴۳۹)
 ۱۱۶. نسخه نامه خواجه نصیرالدین به شام. (ص ۴۳۹-۴۴۰)
 ۱۱۶. جواب اهل شام. (ص ۴۴۰)
 ۱۱۷. غزلیات در توحید از گفتار مخدوم مولانا جلال‌الدین عتیقی مدّ ظلّه. (ص ۴۴۰-۴۴۱)
 ۱۱۸. دیوان ظهیرالدین [فارابی].^۴

(ص ۴۴۲-۴۸۹)
 ۱۱۹. دیوان مخدوم سعید مجدالدین ملک محمود. (ص ۴۸۹-۵۰۰)
 ۱۲۰. دیوان مخدوم مجدالدین امین محمد. (ص ۵۰۰-۵۰۴)
 ۱۲۱. قصه آهو به نظم از گفتار مخدوم مولانا [اعظم... عبدالحمید العتیقی] مدّ ظلّه. (ص ۵۰۴-۵۰۵)
 ۱۲۲. صحبت‌نامه مولانا همادالدین. (ص ۵۰۶-۵۰۹)
 ۱۲۳. عشق‌نامه عطایی. (ص ۵۰۹-۵۱۸)
 ۱۲۴. فصل شیخ صنعا (عنوان با مطلب کنونی نمی‌خواند). (ص ۵۱۹-۵۲۸)
 ۱۲۵. انتخاب حدیقه سنایی. (ص ۵۲۹-۵۵۳)
 ۱۲۶. از ویس و رامین. ده نامه و غیر آن. (ص ۵۵۴-۵۵۹)
 ۱۲۷. از کتاب خسرو و شیرین. (ص ۵۶۴-۵۶۰)
 ۱۲۸. از لیلی و مجنون (ص ۵۶۵)
 ۱۲۹. از هفت پیکر. (ص ۵۶۶-۵۶۷)
 ۱۳۰. از شاهنامه. (ص ۵۶۸-۵۷۸)
 ۱۳۱. نصاب الصبیان در لغت. (ص ۵۷۸-۵۸۱)
 ۱۳۲. رباعیات از گفتار شیخ اوح‌الدین کرمانی. (ص ۵۸۱-۵۹۲)
 ۱۳۳. رباعیات خلاصه الأشعار. (ص ۵۹۳-۶۱۲)
 ۱۳۴. لغت فرس. (ص ۶۱۳-۶۲۲)
 ۱۳۵ و ۱۳۶. کلمات شیخ عبدالله انصاری [۱] و [۲]. (ص ۶۲۲-۶۲۴)
 ۱۳۷. پندنامه انوشروان. (ص ۶۲۴-۶۲۶)
 ۱۳۸. کلمات بزرجمهر. (ص ۶۲۶)
 ۱۳۹. کلمات بزرجمهر. (ص ۶۲۶)
 ۱۴۰. وصایای تیاذق حکیم کسری را. (ص ۶۲۶)

۱۴۱. کتاب در اخبار و حکایات. (ص ۶۲۷-۶۳۰)
 ۱۴۲. رساله غیر منقوطة. (ص ۶۳۰)
 ۴۳. رساله در [کتاب فی المحبّة الحقیقیة]. (ص ۶۳۳)
 ۴۴. اسما اباها به اصطلاح صوفیان.^۵ (ص ۶۳۳)
 ۴۵. مناظره گل و مل. (ص ۶۳۴-۶۳۹)
 ۴۶. مناظره سرو و آب. (ص ۶۳۹)
 ۴۷. مناظره شراب و حشیش. (ص ۶۴۰)
 ۴۸. مناظره شراب و حشیش عثمان. (ص ۶۴۰)
 ۴۹. مناظره تیغ و قلم. (ص ۶۴۰)
 - مناظره آتش و آب. (ص ۶۴۱)
 - مناظره [السمع و البصر]. (ص ۶۴۱)
 ۵۰. مناظره آسمان و زمین. (ص ۶۴۱)
 ۵۱. مناظره آتش و خاک. (ص ۶۴۱)
 ۵۲. مناظره چشم و گوش. (ص ۶۴۱-۶۴۵)
 ۵۳. مناظره نظم و نثر. (ص ۶۴۵)
 ۵۴. دعوات. (ص ۶۴۶)
 ۵۵. دعوات [و افسون‌ها]. (ص ۶۴۶)
 ۱۴۳. ضرب و قسمت. (ص ۶۳۱)
 ۱۴۴. ضرب و قسمت دیگر. (ص ۶۳۱-۶۳۲)
 ۱۴۵. [کتاب فی علم الموسیقی] از فهرست نسخه افتاده. (ص ۶۳۲-۶۳۳)
 ۱۴۶. رساله در کیمیا. (ص ۶۳۳)
 - رساله در علم حساب (در فهرست ناخوانا و در متن موجود نیست).
 ۱۴۷. رساله در علم طب. (ص ۶۳۳-۶۳۴)
 ۱۴۸. خواص سنگ‌ها [در اینجا افتادگی دارد ۶۳۸]. (ص ۶۳۴-۶۳۸)
 - منافع حیوانات [موجود نیست].
 - خواص [موجود نیست].

۴. آقای علی میرافضلی مقاله‌ای سودمند در مقایسه منتخب دیوان مندرج در سفینه با متن چاپی تصحیح شادروان دکتر امیر حسن یزدگردی نوشته‌اند. نک: نشر دانش (سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۱)، ص ۴۵-۵۲.
 ۵. دکتر نصرالله پورجوادی این رساله را همراه متن شبیه به آن که در نسخه خطی دیوان عبید و متعلق به کتابخانه ملی پاریس مندرج است به عنوان «دوفرهنگ طنزآمیز از اصطلاحات صوفیان» در نامه فرهنگستان (دوره پنجم، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۸۰)، ص ۳۵-۴۳ به چاپ رسانید. متن مندرج در دیوان عبید و دکتر احسان یارشاطر نیز در مجله ایران‌شناسی، (سال نهم، ۱۳۷۶) ص ۷۲۶-۷۲۷ منتشر کرده است. در نقل این متن اختلاف قرانت میان ضبط‌های دو مقاله وجود دارد. نیز نگاه کنید به نامه ایرج افشار در مجله ایران‌شناسی سال دهم (۱۳۷۷): ص ۶۶۶ ناظر بر چند پیشنهاد نسبت به خواندن نام بعضی از اغذیه. من نیز پیش‌تر، آن را بر اساس نسخه‌ای از سده نهم و دهم و متعلق به کتابخانه دولتی (ملی) آلمان (به شماره Or.4.124) در بیاض سفر (تهران، ۱۳۵۴)، صفحه ۴۵۳ به چاپ رسانیده‌ام.

نام کاتب و پدرانش

یکی دیگر از نکته‌های مفید برای نسخه‌شناسی تعدد انجامه‌های این مجموعه است. کاتب - اگر به رسیدگی من بشود اعتماد کرد - پنجاه و دو بار در پایان متن‌ها نام خود را آورده. البته معدودی از آنها در خطبه است نه در انجامه و گاهی هم انجامه خود را با تاریخ نگارش همراه ساخته است. در کمتر مجموعه‌ای دیده شده است که تا این مقدار انجامه از یک کاتب وجود داشته باشد. این کاتب به چند گونه نام خود را آورده.

۱. نام خود و پدرش

- محمد بن المسعود (یا محمد بن مسعود) - ده بار (۱۷۲، ۲۴۵، ۳۸۶، ۳۸۹، دوبار، ۵۱۸، ۶۱۲، ۶۹۴، ۶۹۶، ۷۳۳).
- ابوالمجد محمد بن المسعود - سه بار (۷۲۸، ۴۸۵، ۸۱۱).
- ابی‌المجد محمد بن ابی‌الفتح مسعود - یک بار (۲۴۱).
- الحاج ابوالمجد محمد بن ابی‌الفتح مسعود - دو بار (۱۵۲، ۳۵۷).
- الحاج محمد بن المسعود - چهار بار (۷۳۳، ۷۱۰، ۳۸۱، ۲۲۰).
۲. نام خود و پدر و نیایش
- محمد بن مسعود بن المظفر - سیزده بار (۱۴۶، ۱۷۳، ۲۴۶، ۳۲۳، ۳۴۳، ۴۳۴، ۵۰۴، ۵۵۳، ۵۹۳، ۶۲۲، ۶۲۶، ۶۴۸، ۷۱۷).
- الحاج محمد بن مسعود بن المظفر - دو بار (۲۳۲، ۷۱۲).
- الحاج ابی‌المجد محمد بن ابی‌الفتح مسعود بن المظفر - چهار بار (۹۰، ۳۹۹، ۶۷۶، ۶۹۷).
- محمد بن مسعود بن المظفر القرشی^۶ - یک بار (۷۳۴)، (درین مورد نسب اجدادش را آورده).
۳. نام خود و پدر یا دوتیا
- المجد محمد بن مسعود بن مظفر بن محمد - یک بار (۱۱۷).
- الحاج محمد بن مسعود بن مظفر بن محمد - یک بار (۷۲۸).

۱۷۶. [محو شده] [رساله در فتوت]. (ص ۶۷۷)
- رساله در عشق [در متن نیست]. (ص ۶۷۷)
۱۷۷. رساله در صدق. (ص ۶۷۷)
۱۷۸. رساله در مراقبه. (ص ۶۷۷)
۱۷۹. رساله در محبت. (ص ۶۷۷)
۱۸۰. [محو شده] [رساله در شوق]. (ص ۶۷۷)
۱۸۱. رساله در سماع. (ص ۶۷۷)
۱۸۲. رساله در راه آخرت [پس از صفحه سوم افتادگی دارد]. (ص ۶۷۸-۶۸۰)
۱۸۳. عشق نامه ... العاشقین [از آغاز افتادگی دارد].
۱۸۴. عشق نامه دیگر ... العاشقین. (عنوان در فهرست محو شده).
- (عنوان در فهرست محو شده).
۱۸۵. کتاب [کتیبه] [الشیخ ... الغزالی الی عین القضاة]. (عنوان در فهرست محو شده).
۱۸۶. مونس العشاق از ... شیخ شهاب‌الدین ... (وضع چاپی هم گویاست که روی بیست و سه سطر آن خط سرخ کشیده شده است).
۱۸۷. رساله [الصوفیة].
۱۸۸. [کتاب آواز پر جبرئیل]. (عنوان در فهرست محو شده).
- به طوری که این فهرست نشان می‌دهد شماره‌های ۴۳ تا ۵ میان ۱۴۲ و ۱۴۳ قرار داشته‌اند، یعنی صفحات ۲۳۳ تا ۲۴۶ کاملاً در صحافی نابجا قرار گرفته است. آقای عبدالحسین حائری هم به حق توجه داده‌اند که «ترتیب موجود در میان مندرجات برخلاف ترتیب طبیعی تاریخی است» و به همین ملاحظه آن موارد را بر اساس ترتیب تاریخ کتابت نسخه یاد کرده‌اند. آقای میرافضلی هم فهرستی جداگانه بر اساس تاریخ کتابت بر مجموعه افزوده و ترتیب واقعی و اصلی را به خواننده شناسانده‌اند.
۱۴۹. رساله در ملل النحل [از اوائلش افتادگی دارد]. (ص ۶۳۹-۶۴۴)
۱۵۰. رساله در امور [لطایف التوحید فی غریب التفرید]. (ص ۶۴۴-۶۴۵)
۱۵۱. واردات کعب الاحبار از تورتیت اخبار کرد. (ص ۶۴۵)
۱۵۲. کتاب [اوصی لعلی رضی الله عنه]. (ص ۶۴۵-۶۴۶)
۱۵۳. وصایای علی مرحسن را رضی الله عنه. (ص ۶۴۶-۶۴۷)
۱۵۴. وصایای علی مرحسین را رضی الله عنه. (ص ۶۴۸)
۱۵۵. حکومات علی رضه الله عنه [ظاهراً پس ازین افتادگی است]. (ص ۶۴۸)
۱۵۶. [محو شده] [کتاب فی المبدء والمعاد]. (ص ۶۴۹-۶۵۰)
۱۵۷. رساله المتمرق. (ص ۶۵۰-۶۵۲)
۱۵۸. زیان مرغان. (ص ۶۵۲-۶۵۳)
۱۵۹. سؤال اسکندر از ارسطاطالیس و جواب. (ص ۶۵۳-۶۵۴)
۱۶۰. کتاب در دلائل اعضا. (ص ۶۵۴-۶۵۵)
۱۶۱. کتاب در علم فراست. (ص ۶۵۶)
۱۶۲. [محو شده] [کتاب خواص معادن کانی]. (ص ۶۵۶)
۱۶۳. خواص معطرات. (ص ۶۵۷)
۱۶۴. خواص غلات. (ص ۶۵۷)
۱۶۵. کتاب در دلائل برف و باران و غیرهما. (ص ۶۵۷-۶۶۰)
۱۶۶. کتاب در اقالیم و بلاد. (ص ۶۶۰-۶۶۱)
۱۶۷. وعظیات. (ص ۶۶۱-۶۷۶)
۱۶۸. [محو شده] [رساله در رضا]. (ص ۶۷۶)
۱۶۹. رساله در صبر. (ص ۶۷۶)
۱۷۰. رساله در عبودیت. (ص ۶۷۶)
۱۷۱. رساله در اراده. (ص ۶۷۷)
۱۷۲. رساله در استقامة. (ص ۶۷۷)
۱۷۳. رساله در اخلاص. (ص ۶۷۷)
۱۷۴. [محو شده] [رساله در حیا]. (ص ۶۷۷)
۱۷۵. [محو شده] [رساله در ذکر]. (ص ۶۷۷)

۶. ظاهراً این نسبت را همین یکبار ذکر کرده است.

الحاج ابوالمجد محمد بن
ابوالفتح مسعود بن المظفر بن محمد -
دوبار (۳۴۴، ۳۴۸).

نام خودش سائیده شده [ابی الفتح
مسعود بن مظفر بن محمد - یک بار (۴۱۰).
۴. نام خود و پدر با سه نیا

الحاج ابوالمجد محمد بن ابی الفتح
مسعود بن المظفر بن ابی المعالی محمد بن
عبدالمجید - یک بار (۳۰۵).

الحاج ابی المجد محمد بن مسعود بن
المظفر بن ابی المعالی محمد بن
عبدالمجید التبریزی - یک بار (۳۰).

الحاج ابی المجد محمد بن ابی الفتح
مسعود بن المظفر بن ابی المعالی محمد بن
عبدالمجید التبریزی مولداً المکی محتداً -
یک بار (۷۳۳).

۵. نام خود و پدر با چهار نیا

محمد بن مسعود بن المظفر بن محمد
بن عبدالمجید بن المظفر - یک بار (۶۵۶).

۶. نام خود و پدر با شش نیا

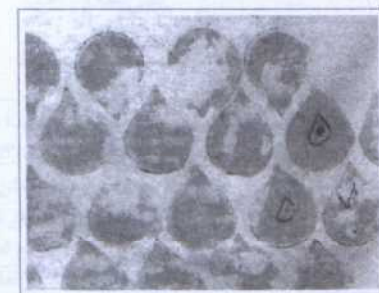
الحاج ابی المجد محمد بن
ابی الفتح مسعود بن المظفر بن
ابی المعالی محمد بن عبدالمجید بن
المظفر بن ابی - محمد بن ابی القسم مظفر
- یک بار (۲۷۵).

۷. نام سائیده شده

- یک بار (۴۱۵).

مهر - پاورق

نکته دیگر درباره مهر گلابی شکلی است
که بر عده ای از اوراق به رنگ سرخ زده
شده. درین باره آقای حائری یادآوری
کرده اند: «در نسخه مهرهایی دیده می شود



تصویر ۱.

به شکل گلابی که پیداست نوشته ای بر
آن نقش بوده و امحاء شده است و با هیچ
دقتی قابل خواندن نیست. این مهرها در
برخی از برگ ها وجود دارد و در یک یادو
مورد تعداد زیادی است که یک سوم صفحه
رافرا گرفته است.

شاید گاهی این مهرها را شخص
کاتب بر صفحه زده و منظورش در آن
موارد پر کردن مواضع خالی نسخه بوده
است تا بر خواننده معلوم باشد که آنجا
مطلبی پایان گرفته و مطلب تازه ای آغاز
شده است. دقت در صفحات ۲۰۵، ۵۱۸، ۵۸۱،
۶۴۵، ۶۵۲، ۶۵۳ می تواند گواه
برین مدعا باشد. البته در بسیاری از
فواصل هم اثر این مهر دیده نمی شود.
به هر حال احتمالی است که گفتن آن
ضرورت داشت. (تصویر ۱)

درباره علائم و نشانه هایی که کاتب در
نوشته های این مجموعه آورده پیش ازین
آقای احسان الله شکراللهی طالقانی موارد
مهمی را در پنج گروه یادآوری کرده اند.^۷
نکته ای که برای من تازگی داشت
آوردن «پاورق» (رکابه) در موردی است که
اشعار به طور چهار مصراعی یا شش
مصراعی در صفحه کتابت شده است و
کاتب ذیل ستون اول کلمه اول نوشته شده
در آغاز ستون بعدی را به طور پاورق
برای مراجعه دادن خواننده
به ستون بعدی قید کرده است
(صفحات ۴۸۰، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۹۲ دیده شود
اگرچه هر دو پاورق به علت مسامحه
لیتوگراف نصفه شده است). البته در ستون
دوم هم از آوردن پاورق خودداری نشده.
نکته دیگری هم باید مورد توجه باشد و آن
به دست دادن همین گونه پاورق در صفحه
سمت راست است فقط در مورد ستون اول
اشعار (مثلاً صفحات ۴۸۱، ۵۶۳، ۵۸۵، ۵۹۱).

رسم الخط

بررسی رسم الخط نسخه از مواردی است

که می تواند نکته های مفیدی را فریاد آورد.
«پ» در «پجم» مصرحاً به سه نقطه
است (ص ۶۴۹، ۶۵۰). همچنین است
پلالک و پویک (ص ۶۱۹).

«ج» را اغلب بی نقطه و گاهی به یک نقطه
و گاه به سه نقطه نوشته مانند: چگلی
(ص ۶۰۸)، و چشم اغیل و پچکم (ص ۶۱۹).
«ژ» ظاهراً درین مجموعه در
واژه های فارسی همه جا با سه نقطه آمده
است. این موارد گواه تواند بود تا جایی که
به چشم من آمد: بوژ (ص ۵۳۳)، روژ
(ص ۵۳۳)، ژاله (ص ۴۹۵)، ژر (ص ۵۳۰)،
ژرف (ص ۵۳۲)، ژنگ (ص ۵۲۳)، نوروژ
(ص ۵۳۳)، البته در گویش محلی است در
مورد (نوروز)، ازدها (ص ۶۱۳)، ژاژ و ناژ و نوژ
(ص ۶۱۷)، مژه (ص ۶۵۵).

«گ» در این مورد ظاهراً رسمش بر
نوشتن آن به صورت کاف است. اما در
جایی که نام کندا (فیلسوف) را آورده زیر
کاف سه نقطه گذاشته است: کپندا.

کاتب با ضبط حرف «ه» (به تلفظی
میان فاووا) آشنا بوده و آفرنگ را به سه نقطه
کتابت کرده است (ص ۶۱۹).

در اتصال و انفصال کلمات، کاتب
ضابطه معینی را رعایت نکرده است.
در مورد نقطه گذاری حروف
پای بندی به آوردن همه نقطه ها ندارد.
دیدن هر صفحه ای گویای این مطلب
تواند بود. از تفننات او در رسم الخط
آوردن نقطه های شین به طور موازی
است نه آنکه یک نقطه بر بالای دو نقطه
قرار گیرد (ص ۲۴۳).

در بعضی از صفحات آثار
مسطرپردازی قدیم حکایت از آن دارد که
آن اوراق بدو برای کتابت شعر آماده
شده ولی عملاً بر آنها متون نثری به ضبط
درآمده است (ص ۲۱۵، ۳۷۹). اما در بخش
مربوط به اشعار مشخص است که
کاتب آنها را اغلب بر جدول بندی
مسطری شده نوشته است (ص ۵۸۹، ۶۰۵).

۷. نکته: نامه بهارستان (سال سوم، شماره ۲، بهار - تابستان ۱۳۸۱)، دفتر ۵: ۲۲۷-۲۲۸.

مواقع کتابت

درباره توالی تاریخی مربوط به انجامه رساله ها توجه شده ولی گفته اند در رقم های کاتب ماه های رجب و شعبان و رمضان دیده نمی شود یعنی کاتب در آن ماه ها از کتابت دست می کشیده. اما مطابق فهرست استخراج شده توسط آقای میرافضلی ذکر رمضان سه بار (ص ۲۲۰، ۶۲۶، ۷۲۶)، و نیز رجب یک بار (۷۳۳) دیده می شود. بنابراین به احتمال می توان گفت که اوراق افتاده و گم شده در آن ماه ها نوشته شده بوده است. مانند ماه شعبان که ذکری از آن در سفینه نیست. به هر حال چون نسخه افتادگی دارد حکمی قاطع نسبت به نبودن ذکر ماه های مذکور نمی توان کرد.

نکته دیگری که تذکارش بی فایده نیست درباره طرز آوردن نام محرم در تواریخی است که کتابت نسخه در آن ماه انجام شده است. درین مجموعه جمعا سی و پنج بار ذکر محرم شده: دویار به صورت محرم الحرام، ولی ده بار به اشکال محرم المکرم (هفت بار) - شهرالله الحرام محرم المکرم (یک بار) - شهر المبارک محرم (یک بار) - ماه مبارک محرم (یک بار) و مابقی تنها به ذکر محرم اکتفا شده است.

فهلویات و اشعار گویشی

حضرت آقای حائری ضمن ارائه اطلاعات مربوط به گویش ها متذکر اهمیت واژه هایی شده اند که یکبار به صورت «ناد و کیل» (صفحه هشت) و بار دیگر به شکل «سرو و کیل» (صفحه هفده) نقل شده است. متن آنچه در صفحه ۵۲۴ متن آمده به این صورت است:
«جمیع بلاد عراق عجم را فهلوه می گویند و سخنان ایشان را فهلوی، و قبيله ای بودند در همدان که ایشان را

جمیع بلاد عراق عجم را فهلوه می گویند و سخنان ایشان را فهلوی
رسیده بودند و بدان که آن را اوراسان گفته اند و همه
در آن گویند و در بعضی کتب و لغت ها آن را اوراسان گویند و در
بیت ششم صورتی آن گویند که منسوب به قوی که آن را آن
نقطه کتبه اند و از موانع ده درجه بالاوینش مناسبتا
شعبان گویند و آنرا در بیت از او خوانده اند که این
و بدان را در کتب محسوب زنان را گویند در آن فهلوی را
در سوره صبر مردان را گویند که در سوره صبر مردان
و در اوله و دنده در میان بیظم صاحب علایق آورده اند و از آن
که از زبان سلطانیه است صورت بیان شریف
شاه دویار آورد آنها را بر سر بیان هم اوجا هزاره
را نیز چه در لغت های نوانی شوار این با او آنها را
از آنکه این است شریف با کس اعظم الفضا ناست شریف

تصویر ۲.

اورامنان گفتندی که همیشه دو بیتی گفتندی. دو بیت فهلوی را بحسب آن اورامنان می گویند و از سه بیت تا شش بیت شروینان می گویند هم منسوب به قومی که ایشان این نمط گفته اند و از همدان بوده، و هر چه بالای شش هفت است آن را شبستان گویند جهت آنکه در شب آن را خوانندندی. اونان (؟) و نادان (؟) و ناد (؟) و کیل محبوب زنان را گویند به زبان فهلوی و شرو و شروین محبوب مردان را گویند. گویند سرو (کذا، ظ = شرو، چنانکه در عبارت پیش آمده) و کیل برادر و خواهر بوده اند در همدان و عظیم صاحب جمال بوده اند و این شرویان^۸ که این زمان سلطانیه است منسوب است بدان شرو. (ص ۵۲۴). (تصویر ۲)

کلمه «کیل» چند بار در ابیات فهلوی دیگری که در صفحات ۵۲۸ و ۵۳۰ نقل شده مندرج است و شاید این احتمال را بتوان عرضه داشت که آن را باید «گیل» خوانند. در مورد کیل یا گیل باید گفت این همان کلمه است که در ابیات منقول آقای دکتر علی اشرف صادقی از یک متن عرفانی کتابخانه دکتر اصغر مهدوی در یادنامه دکتر احمد تفضلی دیده می شود. (ص ۲۴۱).^۹

به هر تقدیر مطالب گویشی این مجموعه (ص ۵۱۹، ۵۲۵ و ۶۷۸-۶۸۰) نشانه

آن است که هم حاج بله واقف به گویش های نقل شده بوده است و هم کاتب لطافت گفته های محلی را درک می کرده و به همین مناسبت به نقل آنها پرداخته است. این استدلال بیشتر در مورد منقولات قسمت اول صدق می کند که حالت پراکنده دارد، ورنه در قسمت دوم چون کاتب متن نوشته ای از حاج بله را آورده مکلف به نقل سراسر متن بوده است ولو آنکه متوجه بر معنی شعری نبوده باشد.

از صفحاتی که شعرهای محلی و نص اقوالی از بزرگان در آنها نقل شده است نکته های نسخه شناسانه هم به دست آمدنی است زیرا کاتب خود را مقید به رعایت درج مطالب به طور سراسر است و در عرض معمولی سطور ندانسته و معمولاً آنها را به تناسب کمی و زیادی عبارت (شعری یا نثر) در اندازه ها و قواره های مختلف کتابت کرده و حالت درهم برهمی به خود گرفته است (ص ۵۱۹ تا ۵۳۴). کوشش او بر آن بوده است که در هر فضای خالی مطلبی را بگنجاند.

- فهلوی های مندرج در مجموعه به تخصص سردستی من عبارت است از:
- ص ۵۲۰ ستون اول: دو بیتی با ردیف: کم نوند.
- ص ۵۲۰ ستون دوم: یک قطعه پنج بیتی (شاید غزل) با قافیه: نزانم.
- ص ۵۲۰ ستون دوم: سه بیت با ردیف: نامه و خشم.
- ص ۵۲۰ ستون دوم: دو بیتی با قافیه: سوژ... هاپوز.
- ص ۵۲۱ سطر بیستم: دو بیتی با قافیه: سوژم ادبی.
- ص ۵۲۳ ستون دوم: دو بیتی با قافیه: ژنک.
- ص ۵۲۴ ستون اول: دو بیتی با ردیف: نهاره.
- ص ۵۲۵ ستون اول: سه بیت با ردیف: بوینند.

۸. کذا به همین ضبط.

۹. نک: «شروینان یا عشق نامه شروین دشتی و شروه سراپی»، یادنامه دکتر احمد تفضلی، (تهران: سخن، ۱۳۷۹)، ص ۲۳۳-۲۴۴.





- ص ۵۲۵ ستون اول: دوبیتی با قافیه: میتن توانم.
- ص ۵۲۵ ستون اول: سه بیت با قافیه: دبازی.
- ص ۵۲۵ ستون سوم: سه بیت با ردیف: موبنا.
- ص ۵۲۵ ستون سوم: دو بیت با قافیه و ردیف: هوس بی.
- ص ۵۲۵ ستون سوم: دو بیت دیگر با همان قافیه و ردیف.
- ص ۵۲۶ سطر ۸: «گویند در شهر تبریز دیهون روز نامی بوده است که شعر فهلوی خوب گفتی و از مریدان سلطان المحققین زاهد - رحمة الله علیه - بوده است. چون فقیه متوفا شد مرقدش را از دروازه سرد بیرون آوردند. او بیامد و نمازش بگزارد و آنجا به قدیم بر دروازه بیرونی دروازه سرد دیواری بوده است. بر آن دیوار رفت و چرخ می زد و مرقد فقیه را بزدند تا فقیه را دفن کنند. چون جماعت از دفن بازگشتند و بعضی نیز از شهر بیرون آمدند او را بر آن دیوار دیدند که چرخ می زد. همه در زیر آن جمع شدند، ناگاه از آن سان چرخ این فهلوی بر بدیهه بگفت و بخواند: چو شهر مرد وزن بیا بجوشست که آن دریا جوی سامان بخوشست چما دریا جوی سامان وری مرز بردار ولم و بخاشا بیوشست چون این فهلوی بخواند خود را از دیوار به زیر انداخت. مردم چنان انبوه بودند که او را بر دست ها بگرفتند چنانک هیچ ضرری بدو و به هیچ کس نرسید.» (تصویر ۳)
- ص ۵۲۷ ستون دوم: دوبیتی با قافیه: هرابی.
- ص ۵۲۷ ستون دوم: دوبیتی با ردیف و قافیه: روان وات.
- ص ۵۲۷ ستون سوم: دوبیتی با قافیه: اهر و ... شو.
- ص ۵۲۷ ستون سوم: دوبیتی با قافیه: رو ... بو (در این دوبیتی کلمه کیل و کیلان وجود دارد).
- ص ۵۲۸ ستون اول: دوبیتی با قافیه: آورد ... کرد.
- ص ۵۲۸ ستون اول: دوبیتی با قافیه: ورد ... سپرد.
- ص ۵۲۸ حاشیه: یک بیت.
- ص ۵۲۸ ستون اول: دو بیت با قافیه: خورد ... کرد.
- ص ۵۲۸ ستون اول: دو بیت با قافیه: برد ... درد.
- ص ۵۲۸ ستون اول: دو بیت با قافیه: درد ... برد.
- ص ۵۲۸ ستون اول: دو بیت با قافیه: خورد ... کرد.
- ص ۵۲۸ ستون اول: دو بیت با قافیه: خورد ... زرد.
- ص ۵۲۸ ستون اول: غزل نهیتی با قافیه و ردیف: ویر کرد ... کمر کرد. (درین غزل کلمه «جکسته» آمده و مرا به یاد مقاله دکتر ماهیار نوایی^{۱۱} انداخت).
- ص ۵۲۸ ستون اول: دو بیت با قافیه و ردیف: نادبان - شش.
- ص ۵۲۸ ستون اول: چهار بیت با قافیه: خست ... دست (درین قطعه دوبار کلمه کیل دیده می شود).
- ص ۵۲۸ ستون اول: دوبیتی با قافیه و ردیف: خواوی ... هیژی.
- ص ۵۲۸ ستون اول: سه بیت با قافیه و ردیف: آن حی ... هنری.
- ص ۵۲۹ ستون کنار سمت چپ: قطعه پنج بیت با قافیه: خور ... بر.
- ص ۵۳۰ ستون اول: «این فهلوی قطب الاولیا خواجه محمد کحولی (؟) طاب ثراه فرماید» (نام او را آقای حائری کججی ضبط فرموده اند که از عرفای مشهور بوده). دوبیتی است با قافیه کاهان ... ماهان.
- ص ۵۳۰ ستون اول: دوبیتی از همو با قافیه و ردیف: کام خوش بی.
- ص ۵۳۰ ستون اول: دوبیتی از مولانا امین الدین (شاید حاجی بله) با قافیه: دامی (درین دوبیتی کلمه کیل دیده می شود).
- ص ۵۳۰ ستون اول: از دیگری چهار بیت با قافیه و ردیف: جویاران وی ته خوش بی (در آن چهار بار کلمه کیل آمده است).
- ص ۵۳۰ ستون اول: دوبیتی با قافیه: نورزست.
- ص ۵۳۳ ستون اول: دوبیتی با قافیه: نویند.
- ص ۵۳۳ ستون اول: چهار بیت از مولانا امین الدین با قافیه: ژاران.
- ص ۵۳۳ ستون اول: دوبیتی با قافیه: پایست.
- ص ۵۳۳ ستون دوم: قطعه پنج بیت با قافیه: زخم چنگ.
- ص ۵۳۳ ستون سوم: دوبیتی با قافیه: او میر ... انومیر.

و لغز اداوت می ابر باشد بحر عیان عاصی کوسد حدیثی سر بردی روز نامی بوده است کاشع فهلوی خوب لفظی و از بر زبان سلطان اهل حق فقیه زاهد رحمة الله علیه بوده است چون فقیه متوفا شد مرقدش را از دروازه سرد بیرون آوردند او بیامد و نمازش بگزارد و آنجا به قدیم بر دروازه سرد بیرون آوردند. او بیامد و نمازش بگزارد و آنجا به قدیم بر دروازه بیرونی دروازه سرد دیواری بوده است. بر آن دیوار رفت و چرخ می زد و مرقد فقیه را بزدند تا فقیه را دفن کنند. چون جماعت از دفن بازگشتند و بعضی نیز از شهر بیرون آمدند او را بر آن دیوار دیدند که چرخ می زد. همه در زیر آن جمع شدند، ناگاه از آن سان چرخ این فهلوی بر بدیهه بگفت و بخواند: چو شهر مرد وزن بیا بجوشست که آن دریا جوی سامان بخوشست چما دریا جوی سامان وری مرز بردار ولم و بخاشا بیوشست چون این فهلوی بخواند خود را از دیوار به زیر انداخت. مردم چنان انبوه بودند که او را بر دست ها بگرفتند چنانک هیچ ضرری بدو و به هیچ کس نرسید. (تصویر ۳)

۱۰. دو حرف اول بی نقطه. ۱۱. بی نقطه. ۱۲. «جکستانی میسندیم»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هفتم (۱۳۳۴)، ص ۴۱-۴۷.

شعر کجا یک رباعی نغمه زار سر در داود خیزد رخسار با زان سر زان
 بوی بهران میرد دل چو روز زده زیند بر کوی تو دلون می که آن هنر یو
 نه خج خاسته نبوی ز دور دور و فوجی زوم چو او اس جلیلو
 ساعت سرفه لال و انتقال در معر لعل زلال قال اهد معانی عندکم
 وجود است تا خوف عدم منت نظر کن خیر صدمه عالم از در آدم
 داشته اموال و دبا بر آنچه تا حکم بهم نهادن بر خیمع اهل تمام
 دگر سوا عذار بدش سارانه مرگ از سس بر آن کزید که ملک
 رخسار هر بدید است و این عینکها از بود و ناله با هم تنیده
 روی در روان نگر چه در لاش جای بند بنگان جهان
 نامل روید علی تعذبت سالک الی ادم اسل تعذبت اسلم
 تحت قزای و کاشانه ز نذر نابت و حلقه گردنست و بیستای
 ای بر در حیات مدبره ای از زین در حیات کز کز کز است
 بیت و آه بیستون آری شش کاز می که جهان اغناد را شاید
 عمرش آری وساحت را که با کسای داشت آن روزی چندش
 نفس کز نفس و نیکویی کز دلش بوقت مرگ بداند که با عودت
 نمای او باشد یک لحظه نظر طرح بصر ز کز ارش نظر تواند بود
 وجود جان مرگ تن ببرد که عمری ز سر مردن برده
 راه نافرستی رفتی کار ز کردی میری کردی نشناختند راهی یاد کن
 روح بقای میزدی که حریفان بر ننگا شده در کشیدند اندام
 سر حسن سلام الهی ترک ما لا یغیبه شعر مکران در کاز ز رای جز
 تعلق ماضی چو داری غم زان مستقبل چرا خوردی حاله باش
 اگر هم خوردی خوردی چو در اجابت بر تو تو هم همان خور ز اجابت
 خوردی خوردی خوردی خوردی خوردی خوردی خوردی خوردی خوردی



تصویر ۲

و نشانه آنکه در آن روزگار مردم تبریز به آن زیانواره سخن می گفته و شعر همه فهم می سرانیده اند. (تصویر ۴)

شناخت شاعران

خلاصه الأشعار فی الرباعیات

یکی از تألیقات محمد بن مسعود کاتب مجموعه «خلاصه الأشعار فی الرباعیات» است در پنجاه باب. (ص ۵۹۳-۶۱۲) و هریک از ابواب به موضوعی درباره عشق و عاشق و معشوق اختصاص دارد. رباعیات به مناسبت از شاعرانی متعدد نقل شده است. تعداد رباعی ها در ابواب متساوی نیست. جمعا پانصد رباعی در آن دیده می شود و برای بعضی از آنها نام

آنها که با عنوان فهلوی آمده معلوم نیست دقیقا از کدام منطقه تواند بود. در مورد اورامنان و شروینان و کرجی آقای دکتر صادقی در دو مقاله خود آنچه را در بایست بوده است گفته اند.

مهم تر از همه اینها به نظر من قطعه ای است که حاجی بله تبریزی (دانشمندی که خود تبریزی بوده) آن را ذیل عنوان «زبان تبریزی» یاد می کند (ص ۶۷۹) و چه بسا که سروده خود اوست. ما از آن قطعه آگاه می شویم که زبان مردم تبریز در اوائل قرن هشتم نه تنها پیراسته از ترکی بوده است بلکه به یکی از گویش های اصیل فارسی تکلم می کرده اند به ترتیبی که مانمی توانیم آن را بشناسیم.

- ص ۵۳۳ ستون سوم: دوبیتی با قافیه: نوروژ ... بوژ.

- ص ۵۳۳ ستون سوم: دوبیتی با قافیه: درد ... نکرد.

بنابراین درین قسمت، دست کم یکصد و شانزده بیت با عنوان فهلوی کتابت شده است. آقای حائری نام فهلوی سرایان را در تحقیق خود ذکر کرده اند: دیهون روز، خواجه محمد کججی، پهلوان احمد کوهرا، پیرعلی فنار، پیرحامد (صفحه هشت). از پهلوان احمد کوهرا رباعی کاملاً فارسی در صفحه ۶۰۲ نقل شده است.

در میان ابیاتی که به گویش های محلی است و درین مجموعه نقل شده است

- سراینده آورده شده. بالای رباعیاتی که نام سراینده اش بر مؤلف شناخته نبوده: لغیره، لا اعراف، لا اعراف قائله، لا ادری، لا ادری قائله، و سه بار «ندانم کراست»^{۱۳} (ص ۵۹۸، ۶۰۹، ۶۱۲) قید شده است.
- چون از اسامی شاعرانی که رباعیات از آنها نقل شده فهرستی عرضه نشده است اینجا فهرست نام آنان برای آگاهی علاقه‌مندان آورده می‌شود. ضمناً برای شناخت آنها که به شهرت شعرای مشهور نیستند (در فهرست خود کنار نام آنها گذاشته شده) به نزهة المجالس (طبع پژوهشگرانه دکتر محمدامین ریاحی) نگریسته‌ام و گفته شده است که نامشان در آن کتاب هست یا نیست. زیرا نزهة المجالس از نظر زمانی با سفینه تریز هم‌روزگارست و چه بسا که یکی در تألیف خود به دیگری نظر داشته است. درین مقابله نشان داده شد که نام عده‌ای از شاعران گمنام منطقه اران و آذربایجان در هر دو مآخذ آمده و ظاهراً حکایت از آن دارد که میان بعضی از این شاعران و مولفان هر دو مآخذ روابط فرهنگی وجود داشته است.
۱. ابوسعید ابی‌الخیر. (ص ۵۹۴)
 ۲. ابوالمعالی نحاس [رازی] (ص ۶۰۶، ۶۱۱) (نزهة) [جمعاً دو رباعی].
 ۳. اثیرالدین ابهری. (ص ۵۹۶، ۶۰۳) (ظ: مفضل بن عمر مذکور در تاریخ گزیده - نقل ریاحی).
 ۴. اثیرالدین اخسیکی (ص ۶۰۹، ۶۱۱) [جمعاً دو رباعی].
 ۵. اثیرالدین اومانی. (ص ۶۰۶)
 ۶. احمد ححی (۹) (ص ۶۰۱) (نزهة ندارد).
 ۷. احمد عیار^{۱۴} (۹) (ص ۶۰۷) (نزهة ندارد).
 ۸. احمد کوه‌ران (پهلوان) (ص ۶۰۲) (نزهة ندارد).
 ۹. ادیب حمای (۹) (ص ۵۹۴) (نزهة ندارد).
۱۰. ادیب صابر (ص ۵۹۵، ۵۹۷) [جمعاً دو رباعی].
 ۱۱. اسعد صفا (ص ۶۰۳) (نزهة ندارد).
 ۱۲. اسعد گنجه (شمس اسعد گنجه دیده شود).
 ۱۳. افضل‌الدین کاشی. (ص ۵۹۵)
 ۱۴. امامی هروی. (ص ۶۰۷)
 ۱۵. امین‌الدین حاجی (مخدوم مولانا) (ص ۶۰۴، ۶۰۸) [جمعاً دو رباعی] (از سفینه شناخته می‌شود).
 ۱۶. انوری (اوحدالدین) (ص ۵۹۷، ۶۰۱) [دو رباعی].
 ۱۷. اوحدالدین کرمانی (ص ۴۹۴ - چهار رباعی، ۵۹۵، ۵۹۶، سه رباعی، ۶۰۱، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۰) [جمعاً سیزده رباعی].
 ۱۸. بدرالدین تغلیسی (ص ۶۰۵) (نزهة).
 ۱۹. بلحسن طلحه (ص ۶۰۷) (نزهة: ابوالحسن).
 ۲۰. بهاء‌الدین کاشی (مولانا) (ص ۶۰۰) (نزهة ندارد).
 ۲۱. تاج‌الدین طرحی (ص ۵۹۶) (نزهة ندارد).
 ۲۲. تاج‌الدین نصرالله بن حاجی (شیخ) (ص ۶۱۲) (نزهة ندارد).
 ۲۳. جلال خاتون سمرقندی (ص ۶۰۳ - دو رباعی) (نزهة ندارد).
 ۲۴. جلال‌الدین عتیقی (مخدوم حقیقی مولانا) (ص ۵۹۷، ۶۰۲، سه رباعی، ۶۰۷، ۶۰۹) [جمعاً شش رباعی].
 ۲۵. جمال (ص ۶۰۱) (شاید جمال شروانی) (نزهة).
 ۲۶. جمال حاجی شروانی (ص ۵۹۴، ۶۱۰، ۶۱۱) [جمعاً سه رباعی] نیز شماره‌های ۲۵ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۶ (نزهة).
 ۲۷. جمال خلیل (ص ۶۰۷) (ظاهراً همان ۲۶) (نزهة).
 ۲۸. جمال‌الدین اشهری (نیشابوری) (ص ۵۹۵، ۵۹۶، ۶۰۱، ۶۰۲ - دو رباعی، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۹، ۶۱۱) [جمعاً دوازده رباعی] (نزهة).
 ۲۹. جمال‌الدین سرخسی (ص ۶۰۳) (نزهة: جمال).
 ۳۰. جمال‌الدین سرگردان (ص ۶۰۳).
 ۳۱. جمال‌الدین شروانی (ص ۶۰۴) (شاید همان شماره ۲۶) (نزهة).
 ۳۲. جمال‌الدین محمد عبدالرزاق اصفهانی (ص ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۱۰) [جمعاً پنج رباعی].
 ۳۳. جمال‌الدین مهدیمی^{۱۵} (۹) (خواجه) (ص ۵۹۵، ۶۰۶، ۶۱۲) [جمعاً سه رباعی] (نزهة ندارد).
 ۳۴. حمید گنجه (ص ۶۰۴) (نزهة).
 ۳۵. خاقانی شروانی (ص ۵۹۵ (۲)، ۵۹۸) [جمعاً سه رباعی].
 ۳۶. خلیل شروانی (ص ۶۰۸) (ظاهراً همان ۲۶) (نزهة).
 ۳۷. دختر حسام سالار (ص ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۳، ۶۰۵) [جمعاً چهار رباعی] (نزهة).
 ۳۸. دختر خطیب گنجه (ص ۶۰۴) (نزهة).
 ۳۹. رشیدالدین وطواط (ص ۵۹۵).
 ۴۰. رضی‌الدین نیشابوری (ص ۵۹۵، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۱۰) [جمعاً چهار رباعی].
 ۴۱. رکن‌الدین امامزاده (ص ۶۰۰) (نزهة ندارد).
 ۴۲. رکن‌الدین دعوبدار (ص ۵۹۶، ۶۰۷، ۶۱۱) [جمعاً سه رباعی].
 ۴۳. سراج‌الدین قمری. (ص ۵۹۹)
 ۴۴. سعد تبریزی (حاجی) (ص ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۰۹) [جمعاً سه رباعی] (نزهة ندارد).
 ۴۵. سعد وراومی (۹) (ص ۶۰۴) (شاید همان شماره ۴۷ باشد) (نزهة ندارد).
 ۴۶. سعدالدین لحافی (بی نقطه) (ص ۵۹۶) (نزهة: سعد).
 ۴۷. سعدالدین دراویچی^{۱۶} (۹) (ص ۶۱۲) (شاید همان شماره ۴۵ باشد) (نزهة ندارد).
 ۴۸. سعدی شیرازی. (ص ۵۹۷)
 ۴۹. سنایی غزنوی (ص ۵۹۶، ۶۰۴، ۶۰۹) [جمعاً سه رباعی].
 ۵۰. سوزنی سمرقندی. (ص ۶۱۰)
 ۵۱. سید اشرف (= سید حسن

۱۳. معلوم می‌شود که این عبارت فارسی به جای «لا ادری» و نظایر آن مصطلح بوده است زیرا در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر هم آمده است (ص ۳۷۳).

۱۴. بی نقطه.

۱۵. بی نقطه.



- غزنوی (ص ۵۹۴، ۵۹۵ - دوریاعی، ۵۹۹، ۶۰۱ - دوریاعی، ۶۰۹) [جمعا هفت رباعی].
۵۲. سیف‌الدین باخرزی (ص ۶۰۶، ۶۰۲، ۵۹۴) [جمعا سه رباعی].
۵۳. سیفی (ص ۶۰۶) (نزهة).
۵۴. شرف‌الدین شفروه [اصفهان] (ص ۶۰۵).
۵۵. شرف‌الدین مرتضی (سید) (ص ۵۹۴، ۵۹۷، ۶۱۰، ۶۱۲ - دوریاعی -) [جمعا پنج رباعی] (نزهة).
۵۶. شمس اسعد گنجه (ص ۵۹۹) (بی گنجه)، (ص ۶۰۲) (بی اسعد)، (ص ۶۰۳، ۶۰۴) (بی شمس)، ۶۰۷ - سه رباعی، ۶۱۰ [جمعا چهار رباعی] (نزهة).
۵۷. شمس طیس (ص ۶۰۴) (نزهة: طیبی).
۵۸. شمس‌الدین الیاس گنجه (شیخ) (ص ۶۰۴ - دوریاعی یکی بدون الیاس)، (ص ۶۰۷) (الدین ندارد) [جمعا سه رباعی] (نزهة: میدانی گنجه‌ای).
۵۹. شمس‌الدین سجاسی (ص ۶۰۱، ۶۰۲ - دوریاعی) [چهار رباعی] (نزهة).
۶۰. شمس‌الدین هروی (ص ۶۰۳) (بی الدین)، (ص ۶۰۵، ۶۰۶) [جمعا سه رباعی] (نزهة: شمس هروی).
۶۱. شهاب‌الدین تغلیسی (ص ۶۰۵) (نزهة ندارد).
۶۲. شهاب‌الدین ساده (؟ ساوه) (ص ۶۰۱) (نزهة ندارد).
۶۳. شهاب‌الدین سهروردی. (ص ۵۹۴)
۶۴. صاحب دیوان، شمس‌الدین (مخدوم شهید) (ص ۵۹۵).
۶۵. صاحب دیوان، بهاء‌الدین (مخدوم خواجه) (ص ۶۰۷) رباعی رابه مخدوم خواجه مجدالدین از ملکان‌ها فرستاده.
۶۶. صائن‌الدین (قطب اولیا خواجه) (ص ۵۹۵ - دوریاعی، ۵۹۸، ۶۰۰) [جمعا چهار رباعی] (نزهة ندارد، شاید صائن مراغی).
۶۷. صدرالدین خجندی (ص ۵۹۵، ۵۹۷) (ص ۶۰۳ - دوریاعی، ۶۰۶) [جمعا پنج رباعی] (نزهة).
۶۸. صدرالدین زنگانی (ص ۵۹۴) (نزهة: صدر).
۶۹. طغرل (سلطان). (ص ۵۹۸)
۷۰. ظهیرالدین سروه (کذا، باید سروه باشد) (ص ۶۱۱). (نزهة: شوروه).
۷۱. ظهیرالدین فاریابی (ص ۵۹۵ - سه رباعی، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۱) [جمعا ده رباعی].
۷۲. ظهیرالدین قراجه (امیر) (ص ۵۹۹) (این شاعر باید همان قراجه باشد که بدون لقب نامش در نزهة آمده).
۷۳. عایشه سمرقندیه (ص ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۸) [جمعا دوریاعی] (نزهة).
۷۴. عایشه مقریه (ص ۵۹۸) (نزهة ندارد).
۷۵. عبدالله (ص ۵۹۹) (شاید عبدالله قسری یا قمری، یا عبده^{۱۷} مذکور در نزهة که می‌تواند عبدالله باشد).
۷۶. عبدالواسع جبلی. (ص ۶۰۲)
۷۷. عزالدین سمنانی (ص ۵۹۸) (نزهة ندارد).
۷۸. عزالدین شروانی (ص ۶۱۱) (نزهة: عز) شاید همان شماره ۸۱.
۷۹. عزالدین سروه (ص ۶۱۰) (نزهة: عزیزالدین شفروه).
۸۰. عزالدین کحال (ص ۶۰۱) (نزهة: عزیز).
۸۱. عزیزالدین سروانی (کذا) (ص ۶۰۵) (ظاهرأ همان ۷۸).
۸۲. عطار نیشابوری، فریدالدین. (ص ۵۹۴)
۸۳. علاء‌الدین غوری (ص ۶۰۵ - دوریاعی) کنارش نوشته انوری فرماید (نزهة).
۸۴. علی بن الحسن [باخرزی] (ص ۶۰۱) (نزهة).
۸۵. عمادالدین (ناخوانا) (ص ۶۰۳) (نزهة ندارد).
۸۶. عمادالدین خلیل (ص ۶۰۶) (شاید خلیل شروانی).
۸۷. عمادی [شهریاری] (ص ۶۰۳)
۸۸. عمر خیام نیشابوری (ص ۵۹۴، ۵۹۵، ۶۱۱) [جمعا سه رباعی].
۸۹. عمر عمادی سوزنی (ص ۵۹۸) (نزهة ندارد).
۹۰. عنصری. (ص ۶۰۱)
۹۱. غزالی، احمد. (ص ۵۹۶)
۹۲. فخرالدین خالد (ص ۵۹۹) (نزهة).
۹۳. فخرالدین رازی ص ۵۹۴ - دوریاعی، ۵۹۵).
۹۴. فخرالدین مبارکشاه [غوری] (ملک) (ص ۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۲) [جمعا چهار رباعی] (نزهة).
۹۵. فخرالدین محمد (مخدوم امیر) (ص ۶۱۲) (نزهة ندارد).
۹۶. فخر علی کی شیبتری (ص ۶۰۲)
۹۷. قاضی ابوالمجد (ص ۶۰۴) (نزهة).
۹۸. قاضی شمس‌الدین بستری (?) (ص ۶۰۹) (نزهة ندارد).
۹۹. قاضی کمال (ص ۵۹۹) (شاید بعدی) (نزهة)
۱۰۰. قاضی کمال‌الدین مراغه ۶۱۰ (نیز کمال‌الدین مراغی دیده شود) (نزهة).
۱۰۱. قطب‌الدین عتیقی (مولانا) (ص ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۹ - دوریاعی، ۶۰۲ - چهار رباعی - چهار رباعی، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹) [جمعا شانزده رباعی].
۱۰۲. کمال اسعد زیاد [اصفهان]

۱۷. ممکن است «عبده» همان «عبدالله» باشد. زیرا در نسخه‌ها گاهی برای پرهیز از آوردن «الله» به نوشتن «اه» اکتفا می‌کرده‌اند. نمونه در بیاض تاج‌الدین احمد وزیر از سال ۷۸۲ هـ. (اصفهان، ۱۳۵۴) آمده است: «نصیرالدین محمد طوسی رحمه‌اه» (ص ۶۳۵) به جای رحمه‌الله، همچنین شیخ عبده بلیانی (ص ۹۱۴) که شیخ عبدالله بلیانی منظور است. نیز بر سنگ قبری در سیستان مورخ ۸۵۰ هـ. از آن ملک غیاث‌الدین و پسرش جلال‌الدین شیخ محمد چنین نقل شده است: «غیاث‌الدوله والدین نعمده و ولده ... شیخ محمد غفراه ذویه». عکس این سنگ را یکی از اعضای انگلیسی هیأت حکمیت مرزی در سال ۱۹۰۴ م. برداشته و در کتاب G. p. Tate به چاپ رسیده و دکتر منوچهر ستوده آن را در احیاء الملوک (تهران، ۱۳۴۴) تجدید چاپ کرده است. ولی روشن و خوانا نیست. من عکس آن را از کالج سن آنتونی (آکسفورد) گرفتم و خواندم و چنان است که نقل کردم. اکنون در ایران به جای «الله» سه نقطه می‌گذارند ولی در روزنامه اختر چاپ استانبول در دوره ناصرالدین به همان ترتیب قدیم می‌نوشته‌اند. مثلاً همه جا عبیده را آورده است.



- (ص ۶۱۰) [نزهة].
 * ۱۰۳. کمال کوتاه پای (ص ۶۰۵) [نزهة ندارد].
 * ۱۰۴. کمال لبنانی (ص ۶۰۳) [نزهة ندارد].
 ۱۰۵. کمال الدین اسمعیل اصفهانی (ص ۵۹۵، ۵۹۸، ۵۹۹ - دوریابی، ۶۰۰ - شش رباعی، ۶۰۱ - دو رباعی، ۶۰۲، ۶۰۴ - دوریابی، ۶۰۴، ۶۰۵ - سه رباعی، ۶۰۶ - دو رباعی، ۶۰۷ - دو رباعی، ۶۰۸، ۶۱۰ - دو رباعی، ۶۱۱، ۶۱۲ - دو رباعی) [جمعا بیست و نه رباعی] دوبار اورا کمال الدین عبدالرزاق ذکر کرده (ص ۶۰۲ و ۶۰۴).
 * ۱۰۶. کمال الدین مراغی (ص ۶۰۷) (همان شماره ۹۹ و ۱۰۰) [نزهة].
 * ۱۰۷. مجلد الدین محمد (مخدوم) (ص ۶۰۲) [نزهة ندارد].
 ۱۰۸. مجلد الدین محمود (مخدوم ملک) (۵۹۶، ۵۹۸ - دوریابی، ۶۰۲ - سه رباعی) [جمعا شش رباعی] [نزهة ندارد].
 ۱۰۹. مجلد الدین هبة الله همگر (ص ۶۰۰ - دو رباعی، ۶۱۲) [جمعا سه رباعی].
 ۱۱۰. مجیر الدین بیلقانی (ص ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۰۹) [جمعا سه رباعی].
 * ۱۱۱. محیی (?) (ص ۵۹۵) (شاید همان بعدی باشد) [نزهة ندارد].
 * ۱۱۲. محیی الدین کاشی (مولانا) (ص ۶۰۶ (۳) [جمعا دو رباعی] [نزهة ندارد].
 * ۱۱۳. مسعود (پدر مؤلف - مخدوم بحق پدرم) (ص ۶۰۸).
 ۱۱۴. معین الدین بختیار (ص ۵۹۴، ۶۱۱) [جمعا دو رباعی].
 * ۱۱۵. مؤلف (محمد بن مسعود) (ص ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۱۱) - شاهد در رثای صاحب دیوان -، (ص ۶۱۲) [جمعا چهار رباعی].
 * ۱۱۶. مذهب الدین نیشابوری (ص ۵۹۹) [نزهة: مذهب].
 ۱۱۷. مهستی (ص ۵۹۸ - دوریابی، ۵۵۹، ۶۰۰ - دوریابی، ۶۰۴ - دوریابی، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷ - چهار رباعی، ۶۰۸ - چهار رباعی، ۶۰۹ - دوریابی، ۶۱۲) [جمعا بیست رباعی].
 ۱۱۸. نجم دایه [رازی] (ص ۶۱۰).
 ۱۱۹. نجم الدین زرکوب (شیخ) (ص ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۱۰) [جمعا سه رباعی].
 ۱۲۰. نصیر الدین طوسی (خواجه) (ص ۵۹۴، ۵۹۶، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۹ - دو رباعی) [جمعا شش رباعی].
 ۱۲۱. نظامی گنجه. (ص ۵۹۷)
 * ۱۲۲. نور الدین حاجی (مخدوم مولانا) (ص ۵۹۶) [نزهة ندارد].
 * ۱۲۳. ولی خراسانی (ص ۶۰۵) [نزهة ندارد].
 ۱۲۴. همام الدین (مولانا) [تبریزی] (ص ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷ - چهار رباعی، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۱) [جمعا دوازده رباعی].
 * ۱۲۵. یمین اصفهانی (ص ۵۹۷، ۶۱۱)

[جمعا دو رباعی] [نزهة].
 درین مجموعه تعداد سیصد و نود و هشت رباعی از اوحد الدین کرمانی وجود دارد که امین الدین حاجی بله آنها را اختیار کرده و کاتب عنوان «کتاب الرباعیات» به آن داده است (ص ۵۸۱ - ۵۹۲). حاجی بله این رباعیات را ذیل دوازده باب به طور موضوعی که هر یک عنوانی خاص دارد: توحید، شریعت، تصوف، طهارت نفس، حسن عمل، عشق، عقل و علم، حقد^{۱۸}، سفر، بهاریات، طامات، این باب در دو فصل است: اقاویل مختلفه و وصیت... ابواب پیشین هم هر یک تقسیمات و عناوین فرعی دارد.

* * *

شاید بسیار مفید می بود اگر برای سفینه^{۱۹} فهرست اعلامی سردستی از نام مؤلفان رساله ها و سرایندهگان اشعاری که خارج از متون رساله ها، شعری از آنها نقل شده است تنظیم و ارائه شده بود. فعلاً این فهرست برای قسمت رباعیات تقدیم دوستداران شد.
 این بررسی نسخه شناسانه دامنه ای بیش گرفت از آنچه حوصله خوانندگان دریاست بود. گفتنی درباره این سفینه بسیار است و دیگران به تدریج خواهند نوشت.
 آفرین باد بر کاتب نسخه و همه نگاه دارندگان آن در تصاریف روزگار و آنان که در معرفی و خرید و چاپ آن کوشیده اند.
 ایرج افشار

۱۸. عنوان این دو باب باب التاسع و باب العاشر است ولی پس از آن هم شماره ابواب را مجدداً تاسع و عاشر آورده است، و در حقیقت تعداد ابواب سیزده است.
 ۱۹. بیاض تاج الدین احمد وزیر (گرد آمده در سال ۷۸۲ هـ). را هم یکی از یادگاری نویسان آن نسخه (ص ۴۲۱) «سفینه» خوانده است. می دانیم سفینه برای مجموعه اشعار نیز استعمال شده و گویا تر از همه اشاره حافظ به «سفینه غزل» است. اما اینکه مجموعه تاج الدین احمد به عنوان «بیاض» انتشار یافت به مناسبت شهرت آن مجموعه میان ادبا از نظر شکل ظاهری باز شدن اوراق آن بوده است ولی در مقدمه، به عنوان «جنگ» معرفی شده است.